



یادداشت‌هایی چند از سفر کاشان و خراسان

پدیدآورنده (ها) : افشار، ایرج

ادبیات و زبانها :: نشریه یغما :: آذر ۱۳۵۷ - شماره ۳۶۳

صفحات : از ۵۵۷ تا ۵۶۵

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/214557>

دانلود شده توسط : معصومه ازقندی

تاریخ دانلود : ۱۴۰۰/۱۱/۲۷

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- سفرنامه تلگرافچی فرنگی
- کاروانسراها جلوه ای از معماری ایرانی - اسلامی
- نقش عاریه های غیر بومی در تکوین هنر هخامنشی
- بازشناسی نقش آب در حیات خانه های سنتی ایران
- تحلیلی درباره الگوی معماری صفوی آرامگاه آصف خان و ساختار گنبد آن
- ارزیابی فناوری فتوکاتالیست ها و نانو فتوکاتالیست ها بر پایداری محیط زیست با رویکرد مفهومی معماری پایدار
- احیا و توسعه جاذبه های سیاحتی جاده ابریشم از نظر جامعه شناسی تاریخی
- نگاهی به شاهنامه ۷۳۳ قمری (شاهنامه شیراز)
- آذربایجان غربی در گذر زمان
- مسجد دارالاحسان سنندج
- فضا زمان مذهب (مقدمه ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران نوشته حسین سلطان زاده)
- تزئینات آجری در معماری اسلامی ایران

عناوین مشابه

- یادداشت های چند از سفر کاشان و خراسان
- چند سند مکتوب از خاندان اجتهاد (سید العلماء، ممتاز العلماء و سلطان العلماء) درباره سفر حج ممتاز العلماء
- اولویت بندی روستاهای هدف گردشگری استان خراسان جنوبی با استفاده از تکنیک تصمیم گیری چند معیاره AHP و Topsis
- تحلیل و بررسی توسعه پایدار نواحی شهری با استفاده از روش های تصمیم گیری چند معیاره (MADM) (مطالعه موردی: شهر کاشان)
- بررسی چند سند تاریخی از تجارت زنان و دختران در عهد قاجاریه در شمال خراسان
- سفر نامه نیریز به مناسبت کنگره بزرگداشت فضل نیریزی و سخنی چند درباره برخی از آثار نیریز
- تعیین الگوی بهینه کشت محصولات عمده زراعی استان خراسان رضوی با استفاده از برنامه ریزی خطی چند هدفه فازی و تابع عضویت هذلولی
- معرفی چند نسخه خطی: از کتابخانه چارتورسیکی لهستان و گزارش کوتاه سفر
- یادداشت هائی از سفر ترکیه
- آشنائی با چند اثر بدیع از هنرمندان جلدساز ایرانی (قرن هشتم و نهم هجری)

کاشان و خراسان

« ۲ »

محراب شبستان زمستانی مسجد قاضی مختصر تزییناتی دارد و مورخ ۱۲۶۶ هجری است . اما در گچ‌بری سردر ورودی مسجد تاریخ ۱۲۳۷ دیده می‌شود . در صحن مسجد سنگایی مسین مورخ به سال ۱۲۸۵ دیدم .

بر دیوار روبروی در مسجد سنگ تاریخ وقفنامه‌ای مورخ به سال ۱۱۲۲ نصب است که مجال خواندن مطالبش پیش نیامد و چون آفتاب به کوه فرو نشسته بود عکس برداری هم از آن میسر نشد . در تاریکی روشنائی نام واقف را محمد بن حاجی غیاث‌الدین نصرآبادی خواندم . اگر سفری دیگر نصیب شد باید به دقت خواند و نوشت .

بیدگل

اما بیدگل ، شهر کی است که نامش در بعضی از متون قدیم بصورت «ویدگل» آمده است و از آبادیهای عالم خیز کاشان بوده است .

بیدگل چند قبرستان و امامزاده دارد . قبر صباحی بیدگلی شاعر عهد فتحعلی شاه در این آبادی است . نوشته‌های چند سنگ قبر که در قبرستان امامزاده حسین آنجا خواندم چنین است :

* وفات نمود شکسته پر و بال بستان جوانی نوگل خزان ... چمن زندگانی حاجی محمد سعید راوندی ابن صلاحیت شعار مراد علی خباز فی غرة شهر جمادی الاول سنة سبع و سبعین و الف .

* ... احمد بن المرحوم محمد هادی بیدگلی ... ربیع الاول سنة سبع و خمسين و مائة و الف .

* ... ملا ضیاء‌الدین محمد فی غرة شهر ربیع الثانی من شهور سنة ۱۱۹۴ .

* وفات نمود عصمت مآب مرحومة مغفورة المسماة شکیله بانو بنت حاجی محمود فی التاریخ سلخ شهر شعبان المعظم سنة ثمان و اربعین بعد الف من الهجرة موافق با بیستم دی ماه ملک‌شاهیة سنة ۱۰۴۸ .

و این هم فایده‌ای از سنگ قبر که در آن مطابقت سال هجری و ملک‌شاهی را ضبط کرده است و برای محققان در گاه شماری سند مطمئنی است .

امامزاده قاسم بیدگل یکی دیگر از مزارات معروف آنجا است . در تزیینات زیر گنبد آن تاریخ ۱۳۱۱ دیده می شود و در دولوحه زیارتنامه اش که به خط محمود مدیرالدوله است تاریخ ربیع الثانی ۱۳۱۴ . این مدیرالدوله خوشخط بوده است و ظاهراً خود او بانی تعمیرات و تزیینات آنجا است .

از آنجا به محله خانقاه وارد شدیم . نامی است قدیمی برای آن کوی . حالا خانقاهی در کار نیست . درین محله مسجدی هست که به مسجد مدرسه شهرت دارد و سابقه ای است از آنکه در قدیم الایام در این محله مدرسه ای وجود داشته است . فعلاً در قسمتی از زمین این محل حسینیه ساخته اند و به تکیه در خانقاه مشهور شده است .

یکی دیگر از مساجد بیدگل مسجد درب ریگ نام دارد . مراد از «ریگ» بطور کلی در یزد و کرمان و کاشان منطقه ای است که بیابان ریگزار باشد و همیشه از جانی به شهرها و آبادیهای کویری متصل است . در یزد محله سرریگ و مسجد سرریگ داریم و نشانی است از آنکه در قرن هفتم محله ای که مسجد را آنجا ساخته اند به ریگ متصل می شده است . در کرمان نیز محله ای به ریگ منسوب است .

از مساجد دیگر این آبادی مسجد علی است که در درب ریگ قرار دارد . محرابش نقاشی شده و رنگی است . در آن رقم تاریخ چنین آمده است :

« وقع ذلك فی منتصف شهر شعبان المعظم سنة تسع و عشرين بعد الف . »

بالاخره به مسجد حاجی عبدالصمد رسیدیم که دری دیدنی دارد و بر آن این کلمات کنده کاری شده است :

وقف حاجی عبدالصمد بن المرحوم زائر الحرمین ... حاجی محمد حسین ، تحریراً فی سنة اربع و عرومائة الف (کذا) . کتبه نورالوری . نجره ابن استاد حسن محمد بیک نجرار

دو سنگ فرمان در نطنز

بر دیوار مسجد جامع نطنز دو سنگ فرمان نصب است که تاکنون متن آنها را درجائی نقل نکرده ام و در کتاب آقای حسن نراقی هم نیامده است . اینک در اینجا به چاپ می رسد :

حکم جهان مطاع شد آنکه در این وقت بنا بر عنایت شاهانه در باره شیعیان الکاه نطنز احسن الله تعالی احوالهم از ابتداء توشتمان ثیل مالوجهاش ایشان راعن رسد يك ماهه شهر رمضان المبارک اسمی جهاتی که اجاره داده می شود تخفیف و تصدق مقرر داشتیم . مستوفیان عظام کرام دیوان اعلا رقم این عطیه را در دفتر خلود ثبت نموده تغییر و تبدیل به قواعد آن ره ندهند و آنچه تیول و مواجب همه ساله مقرر است از تیول و مواجب همه ساله برطرف دانند و آنچه مقرر نیست و از دیوان حواله می شود مالوجهاش شهر مذکور را سال به سال کم نموده تنمه را تنخواه ارباب حوالات نمایند .

تیولد اران الکاء مذکور حسبالمسطور مقرر دانسته رسید يك ماهه مذکور را از تیول خود برطرف دانند و طلبی از رعایا ننمایند. کلاتر و کدخدایان وریش سفیدان الکاء مذکور به تخفیف رسند.

اگر سنی درمیانه شیعیان بوده باشد یا مردم محلی از سکان آنجا سنی باشد به ایشان تخفیف داده نمی شود. نسخه بران درست دانسته به دفترخانه همیون فرستند که مستوفیان عظام دردفاتر عمل نمایند و دانسته باشند که اگر پوشیده و پنهانی نموده باشند در دنیا از ایشان بازخواست خواهد شد و در آخرت در خدمت حضرت امیر المؤمنین و امام المتقین علی ابن ابوطالب علیه الصلوٰه والسلام شرمند خواهد بود و تغییر کنند تخفیف مذکور به لعنت الهی و نفرین حضرت رسالت پناهی گرفتار گردد.

می باید که سواد حکم همیون را بر سنگ نقش نموده بر در مسجد جامع نصب نمایند و در دعا گوئی دوام دولت قاهره تقصیر نکنند. تحریراً فی شهر شعبان المعظم سنة ۱۰۲۴ .

سنگ فرمان دوم عین متن نیست. مضمون فرمان را منظوم کرده اند و این روشی است که مخصوصاً در عصر قاجاری مرسوم شده بوده است. بسیاری سنگ فرمانها دیده می شود به همین ترتیب است. بهر حال موضوع این فرمان تخفیف و معافیت دوصنف پاره دوز و صابون پزست که در زمان حکومت حسام السلطنه ابلاغ شده است :

به عهد ناصر دین شهریار کز عدلش	ز جور پیل قوی ایمن است مورضعیف
حسام سلطنت آن داوری که از کرمش	دعا به دولت شه می کند وضع و شریف
..... اجازت داد	به سرپرستی خلق ضعیف نحیف
به ازدیاد دعا گوئی و سلامت شاه	به خاص و عام
..... ما حاصل پاره دوز و صابونی	معاف کرد و مسلم به صیفه تخفیف
به لعنت ابدی باد مبتلا هر کس	که منحرف شودش از تحریف
به سال دوصد و هشتاد و یک پس از يك الف	ز طبع «سیما» این قطعه یافت نظم ردیف

طبعاً «سیما» شاعری است محلی.

به سوی یزد (سالها قبل)

نخستین دیدنی یزد و فور دوجرخه سواری است. از این حیث با شهر کهای هلند قابل تشبیه است. آنجا زیباترین دختران بالباسهای پاک و دلچسب و روهای گشاده و لب خندان و جدی ترین مردان بر آن نشسته اند. اینجا هم شهریان من اند باشال و قبا و تک و تو کی هم آخوند که عبا را برداشته و بر ترک بسته است تادست و پا گیر نباشد.

مظاهر تمدن بومی یزد قنات است و بادگیر و آب انبار و چرخ و هیزم تاغ و شیرینی و مازاری و باغهای دور شهر و شعر بافی و بالاخره زندگی در خانه هایی که هنوز شکل و ظاهر خود را ازدست نداده است.

درباره یزد چندین بار نوشته‌ام و دیگر نوشتنی ندارم.

ریگ روان

امان از ریگ روان که آدمی را می‌آزارد. ریگ پرندوش باشتاب تمام از آسمان فرود می‌آید و راه را بر مسافر می‌بندد و آبادی را در زیر می‌گیرد. مدفون می‌کند و خاموش می‌سازد. قسمتی از راه را گرفتار ریگ شدیم و به‌خیر گذشت. چون به کرمان رسیدیم شهر در پرده غبار و گرد ریگ گرفتار بود.

نام گیاهان

از کرمان به سوی بم رانديم. درخواجه‌عسکر امامزاده‌ای به نام امامزاده حسن هست و در آن سنگ قبری از مرمر سبز مورخ به سال هفتصد و شصت دیدم. افسوس که منقوداتش را ضبط نکرده‌ام.

نام درختچه‌های بیابان سیرجان را بنویسم که بعدها ممکن است مفید باشد.

کنار ، اسکنبیل ، اغیچ ، پده ، کسور ، بنه ، گز ، غسک Qosk ، تنگز Tengez ،
زیتون ، کهکم Kahkom ، گیش Gish (خرزهره) ، گره بادام Garreh - Badam
واسامی پرندگان که شنیدم غیر از نامهای معروف :

دمیل Demil ، شوئهسرك (هدهد) ، دم‌زردو ، آلوسیو Alo - Siow ، کچیل منرخ
(کرکس) ، مرغ انجیر ، مخ‌کت‌کن (دارکوب) ، بیف‌کور (جغد) ، کپوک Kapuk ،
کفتر گزی ، کفتر کناری ، قودی Qudi ، کورکلا Kurkola .
یادداشت‌های دیگر این سفر را که همراه اقتدار و ستوده و فرمانفرمائیان بودم به
دور ریختم و خودم را ازشر آنها خلاص کردم هر چند جنبه اجتماعی و شرح مشاهدات داشت .

اسفراین

به لطف خاندان روشنی زعفرانلو دوبار دیدن اسفراین و جلگه جوین و یکبار مشاهده
آبادیهای تاریخی فریومد و جاجرم نصیب شد.

موقعی که فکر نوشتن یادداشت‌هایی را درباره این صفحات می‌کردم دلم می‌خواست
آن را خطاب به یکی از کسانی می‌نوشتم که دستش به عرب و عجم بندست و اگر آن کس
دلسوزی داشت می‌توانست در باب آثار قدیمه این سامان همتی بکند. *

اسفراین و جوین و جاجرم و فریومد در سه جلگه قرار دارند. اسفراین جلگه‌ای است میان
کوه‌های بجنورد و جلگه جوین و جاجرم حدفاصل میان دو جلگه «میان دشت» است و آن
بیابانی است قفر .

* و این کار ، کار جناب عبدالحمید مولوی است .

جوین جلگه‌ای است در جنوب اسفراین و متصل بدان . رشته کوههائی که چندان بلند نیست این جلگه را از جاده فعلی سبزوار و نیشابور جدا می‌سازد . راه آهن از کنار جلگه جوین می‌گذرد.

فریومد شهر کی است برپا دامن کوههائی که مشرف است بر جاده فعلی سبزوار به نیشابور . ضبط اغلب اسامی در فرهنگ جغرافیائی ایران باشکلی که مورد تلفظ مردم محلی است تفاوت دارد . جاجرم Jagaram را در محل از زبان پیرمردی جاافتاده جاجرم Jagaram شنیدم و فریومد را مکرراً فریومد Farumad .

بعضی اسامی مشترک جغرافیائی هم‌دراین ناحیه هست مانند فریمان ، جوشقان ، طیس ، گرمه ، مشکان ، خراشا که فریمانش مشترک با فریمان راه تربت است و جوشقاش با جوشقان کاشان و طبش با طیس راه یزد و مشکانش با مشکان کاشان و خراشایش با خراشاهای یزد و بیرجند و شاید نواحی دیگر .

نام اسفراین در کتب قدیم جغرافیائی و تاریخی اسفراین Isfarain ضبط شده است و در نسبت نام دو درویش که دو قندیل بر مزار « امام عبدالله » آنجا وقف کرده‌اند به صورت « اسفرائینی » (کذا) دیده شد . یاقوت لقب اسفراین را « مهرجان » آورده است .

قسمتی از منطقه در چند قرن اخیر عشیره نشین بوده است و از مراکز مهم خوانین زعفرانلو و جز آنها . خوانین همیشه در این منطقه سدی بوده‌اند که هجوم طوایف ترکمن را پیش می‌گرفته‌اند . ناچار قادر مطلق محل بودند . طبعاً اعمال قدرت هم می‌کرده‌اند . خوانین به ادب و شعر فارسی هم علاقه داشته‌اند و گاه نزد بعضی از آنها ذخائر کتب خطی نفیس وجود داشته است . کمالینکه کتابخانه شجاع الدوله در عصر ناصرالدین شاه شهرت داشته است و از پنجاه سال پیش به این طرف مشهور بوده است .

می‌گویند چادر سلطنتی نادرشاه که در خانه شجاع الدوله بوده است بعدها به دست قوام السلطنه افتاده است .

* * *

محمدخان زعفرانلو حکایت کرد از شوخی ناصرالدین شاه با یالانتوش خان جلایر که حاکم کلات بوده است . گفت یالانتوش در یکی از دوسفری که ناصرالدین شاه به مشهد آمد به پابوس شاه آمد . شاه به یالانتوش که بدقیافه و زشت روی بود گفت آن روز که « جمال » تقسیم کردند تو کجا بودی؟ یالانتوش که مشهور به حاضر جوابی بود گفت قربان رفته بودم آنجا که « کمال » تقسیم می‌کردند . !

یکی دیگر از حاضر جوابیهائی که به او نسبت داده‌اند این است که می‌گویند شاه از او پرسید در ترکی به هشتاد چه می‌گویند . او نگفت سکه سن (- توسگی) تا به شاه توهینی نشده باشد . پس گفت « ایکی قرخ » (یعنی دوچهل) !

این حاضر جوابی مشهور را هم که به دیگران نسبت داده شده است در آن محل به

یالانتوش منسوب می کنند. می گویند شاه از او پرسید آن اسبهای خوبی که مردان قدیمی سوار می شدند کجا رفته اند ؟ یالانتوش خان گفت قربان آن اسبها راهمان مردهای قدیمی سوار شده اند و رفته اند !

* * *

صحبتمان باستوده گل کرده بود و چوب به پنبه لغت سازهایی فرهنگستان می زدیم. خان زعفرانلو که کنار نشسته بود و حرفهای ما را می شنید میان پرید و گفت آنچه می گوئید مرا به یاد قصه کردهای ناحیه خودمان می اندازد. می گویند جمعی از کردها دورهم نشسته بودند و صحبت از خدا در میان بود. یکی گفت آیا از خدا بزرگتر هم چیزی هست. دیگری گفت بله «قرتایل» ! حالا این آقایانی هم که صحبتشان را می کنید می خواهند کلمههایی بسازند که با کلمات ساده و عادی قابل فهم همه فرق داشته باشد تا بلکه در انظار مهم جلوه کنند.

بیدواز و جغتای و فریومد

نمی دانم کلمه «واز» در ترکیب با «بید» و در نام این موضوع همان کلمه «واز» می باشد که نام آبادی زیبایی است در شمال چمستان آمل و دره سنگ واز ، دره درکه شمیران ؟ این بیدواز درسه فرسخی شمال میان آباد اسفراین است و کوه شاه جهان (شاهان - شاه گان) بر آن اشراف دارد. آبادی قدیمی است بر سر راه قدیم شیروان. حقا عزلت کدهای است و در ایام قدیم هم صوفی نشین بوده است. نامش در حوادث مربوط به قرن هفتم در کتاب سیرت جلال الدین منکبرنی آمده است و نسخ آن را «بندوار» ضبط کرده اند. ولی چون با اسفراین همراه آورده شده است پس بیدواز مراد بوده است. گفتند ممکن است برای ذخیره آب سدی در این دره ساخته شود. در آن صورت بیدواز و چند آبادی دیگر به زیر آب خواهد رفت. در دره بیدواز چند اثر کهن هست. از جمله بقایای قلعه ای بر سر تپه که از گل و سنگ بوده است و فعلا قسمتی از یک برج و مقداری از دیوارهایش باقی است.

بقعه شیخ محمد رشید یارشیدالدین بنائی است هشت ضلعی از سنگ که گنبدش هم از سنگ است. هر ضلعش سه متر است. گنبد در ارتفاع پنج متری ساخته شده است و بلندی آن به دهمتر از سطح زمین می رسد. منظومه مفصل مصباح المارفین رشیدالدین بیدوازی از آن همین عارف است. نسخه ای از آن را آقای عطاردی قوچانی از هند به دست آورده است. صندوق بقعه کنده کاری است به بلندی یک متر بیشتر و به اندازه دومتر در یک متر و کسری.

عباراتی که بر خط نسخ بر آن نقر شده است چنین است :

(بسم) الله الرحمن الرحيم . الملك القدیر ، و السلام ، المؤمن ، العزيز ، الجبار ، المتبکر ، الخالق ، الباری ، المصور ، الغفار ، الوهاب ، الرزاق ، الفتاح ، العليم ، القابض ، الباسط ، الخافض ، الرافع ، المعز ، المنزل ، السميع ، البصیر ، الحکیم ، اللطیف ، الخبیر ، العظیم ، الغفور ، الشکور ، العلی ، الکبیر ، الحفیظ ، ... الحسیب ، الجلیل ،

الکریم ، الرقیب ، المجیب ، الواسع ، الحکیم ، الودود ، المجید ، الباعث ، المعید ، ...
المبین ، الولی ، الحمید ، ... المعید در چهار طرف صندوق به همین نحو اسماء جلاله را
نقر کرده اند. بالاخره در انتهای آن آمده است : «نمقه الصنیف محمد بن یحیی سنة ۸۸۱»
در جهت شرقی آن دارد : «عمل استاد محمد بن نظام . بنده ذوالجلال والاکرام» .

بقعه دارای سه درب کنده کاری است که در درگاههای شرق و غرب و شمال نصب است.
از کتیبه گچی دور بقعه به خط نسخ مقداری ریخته است و آنچه باقی است و خوانده شدنی
اینطور است :

ذکر خیر الانام

شیخ
پیر او چون خواجه اسحق است (۹)

پیر او چون شیخ دین محمود بود

پیر او دان شیخ نورالدین بغداد از کسرق

شیخ او ... علی را شیخ مجدالدین است

هست چون عمار یاسر شیخ او و بعد از آن

شیخ او شیخ احمد غزالی صاحب تبار

شیخ او بوبکر

.....

.....

.....

و آنکه سری سقطی

باز امام دین و دنیا کو علی موسی الرضا

جعفر صادق امام رهنمای عام و خاص

.....

سرور شاه ولایت

.....

.....

این بیدواز عارف خیز بوده است. عارف دیگری که نامش را می دانیم و اثرش را
می شناسیم سعدالدین محمد بن شیخ علی بیدوازی است که رساله ای از او در مجموعه شماره ۴۲۱۶
کتابخانه ملی ملک دیده ام .

در بیدواز محلی هم به نام «جوی خانقاه» شهرت دارد. مرحوم ملا امان الله گفته بوده است
که این موضع محل خانقاه شیخ رشیدالدین بوده است .

محمد اسمعیل متخلص به عارف فرزند ملاقر بانعلی از شعرای محلی اسفراین است .

پدراناش از مردم شهریار بوده اند که در عهد فتحعلی به اسفراین کوچانده شده اند. عارف معاصر حاجی ملاحادی سبزواری بوده است. شیخ نصیر متخلص به سالک برادر زاده عارف نیز شعر می سروده است و قطعه ای در زبان محلی دارد که خالی از لطف نیست و سابقاً آن را در جایی نقل کرده ام.

قطعه ای دیگر هم از او شنیده ام که نقل می کنم .
مه من ترا به رویت نظری پدید باید

به رخت وان یکادی به وفا دمید باید
توجه جان چرمغانی نظری به جد به ما کن

که مدار دنیوی را درم سفید باید
غزل مرا چو یوسف به چه چمشکزک بین

مفروش بر کلافش که به زر خرید باید
به خدا به اسفراین به وطن غریب باشم

پی اهل دل شناسی نظرس وحید باید

گفتند مناره ای در «خسروشیر» جوین به بلندی و قواره منار خسرو گرد (درواه سبزواری) بوده است که حدود بیست سال پیش آن را خراب کرده اند.

جنتای یکی از آبادیهای جوین است و نامش یادگار روشنی از عصر مغول و قلعه بزرگ و مرتفعی داشته است. اصولاً در ناحیه جوین قلاع دشتی متعددست. یکی از آنها آن قلعه است که مقداری از آثارش برجاست.

راه ما از اسفراین و کسرق و منارتپه و خورشاه (دارای خرابه های زیاد) و آزاد وار (مرکز قدیم جوین دارای قلعه و آثار خرابه) می گذرد و بالاخره به فرومد (فریومد) منتهی می شود. در ابتدای راه کوران و سنخواست و پائین جوین راهم دیدیم .

نزدیک به آبادی کلاته بزرگ که بین منارتپه و کوران واقع است امامزاده عبدالله قرار دارد. در آنجا سنگ قبر تاریخداری که دیدم جدیدست ولی از آن درویشی است بدین عبارت :

« هذا مرقد المرحوم المغفور المبرور نتیجه الصلحاء والفقرا درویش محب علی بن درویش محمد ۱۳۰۴ . »

در همین مزار دو قندیل دیدم که هر دو را دودرویش وقف بر امامزاده عبدالله کرده اند. یکی را درویش عبدالله اسفرائینی و دیگری را درویش نوروز اسفرائینی . معلوم می شود این مزار مورد احترام دراویش بوده است و نشانی است روشن از اینکه صوفیه درین منطقه تا

قرن اخیر نفوذ تمامی داشته اند .

در فریومد ، مسجد جامع یکی از هنری ترین آثار تاریخی ناحیه است . امامزاده احمد ابن موسی الرضا از بناهای عصر شاه طهماسب است . بقعه مخرو به ای هم به نام مزار ابن یمن باقی است . بالاخره بقایای آسیاهای آبی اطراف شهر از آثار دیدنی آنجاست .

جاجرم

قلعه جاجرم بزرگ و مرتفع بوده است ولی بکلی خرابه شده و آثار مختصری از برجهای آن باقی است . جاجرم در جغرافیای تاریخی جزء جوین محسوب می شده است و در تاریخ بیهق مصرحاً مذکور است که جاجرم از ناحیت جوین است (ص ۳۴) . از آثار قدیمه جاجرم مزار علی بن مازیار است که مردم محل آن را امامزاده می دانند . کوشک اللهیارخان و قلعه خان از آثار تاریخی دیگر جاجرم است . جاجرم در منطقه ای قرار گرفته که دست وصول بدان آسان نبوده است . در روایات محلی هست که در وقت هجوم چنگیز خان سه برادر جاجرم را در حیطه تصرف داشتند و چنگیز به حیلہ توانست که قلعه آنجا را بگشاید .

فاصله جاجرم به گرمه بیش از یک فرسخ نیست . قلعه جلال الدین از بناهای مستحکم و زیبای منطقه است . قلعه شش ضلعی است . یکپارچه از سنگ ساخته شده است . اندازه هر ضلعش ده دوازده متر است و دوره خارجی برجهایش بیست متر . از گرمه راه ییلاق نردین را در پیش گرفتیم تا به گرگان برسیم . راه از گرمه و ایور Ivar و درق Daraq و گویش Gaulish می گذرد .

کتیبه ای از سرخس

در سرخس بقعه مرتفعی در کنار شهر قرار دارد که به «بابالقمان» معروف شده است . آنچه از کتیبه آن خوانده ام این است :

«هذا البقاع خدام شیخ الاسلام اعظم شمس الحق و المله و الدین فخر الاسلام و المسلمین معز الضعفاء و المساکین محمد بن محمد لقمان مد ظله فی شهور سنة سبع و خمسين و سب .. (عمائه) . از کتیبه بالا ئین فقط «امیر محمد خوا (جه ۶) خوانده شد .

خواف

در سفر خواف سنگ مزار نظام الدین امیر احمد بن اسحق دیده شد که مورخ ۸۸۹ هجری است . برآستی سنگی خواندنی و دیدنی است . مردی باید که تمام مطالب آن را نقل کند . در مدرسه خر جرد (خرگرد) نام امیر احمد بن اسحق بن محمد الدین محمد خوافی با تاریخ ۸۴۲ دیده می شود .

در خواف ، مزار «پیر ابدال» که دو سنگ خوش نقرو نقش دارد از امکنه تاریخی است . نزدیک به خواف در آبادی «درشخوار» مسجد جامع معتبر از آثار قرن نهم هجری است . هنوز تحقیقی در باب آن در کتب مطرح نشده است .